

نگاهی به کتاب

کتابت زبانهای ایرانی

○ کتابت زبان‌های ایرانی

○ تألیف: حبیب برجیان

○ ناشر: سروش، چاپ اول، ۱۳۷۹، ۱۴۴ ص، ۵۰۰ تومان

○ غلام‌رضا عزیزی

ایرانی از دوره باستان تا خط پهلوی را نشان دهد. در بخش دوم کتاب، درخصوص خط زبان‌های ایرانی از قدیمی‌ترین زمان تاکنون بحث شده است. درواقع نویسنده با ظرافت خاصی ضمن اشاره به تحولات زبان‌های ایرانی از روزگار باستان تاکنون تحول خط و نوشتار این زبان‌ها را در سه فصل پی‌گرفته است. در آغاز، نویسنده ضمن اشاره به نظام‌های نگارش زبان‌های ایرانی یادآور می‌شود که از میان بیش از چهار خط ایرانی تنها دو خط میخی و دین دبیره (اوستایی) غیراقتباسی بوده و در بقیه موارد اقتباس انجام گرفته براساس انگیزه‌های اداری دینی سیاسی و اجتماعی صورت گرفته است.^۱

هدف از نگارش بخش دوم کتاب «طبقه‌بندی و معرفی مختصر کلیه نظام‌های کتابتی است که زبان‌های ایرانی از آغاز تاکنون با آنها نوشته شده‌اند» (ص ۷۴). در این تقسیم‌بندی، خطوط به سه گروه میخی ۵، منشعب از آرامی و خطوط الفبای یونانی، لاتینی و سیریلیک تقسیم شده‌اند.

۱ - خط میخی فارسی باستان: این خط نه تنها از جنبه شکل، بلکه از منظر ساختمان و ساختار نیز با سایر خط‌های ایرانی متفاوت است. ساختار این خط الفبایی - هجایی است. یعنی شکل خط، میخی و ساختمان آن الفبایی می‌باشد. از بین علامت‌های سی و شش‌گانه این خط، سه علامت نماینده مصوت‌های کوتاه و بقیه نمایانگر یک صامت و یک مصوت است. همچنین هشت علامت میخی معنی‌نگار در برخی از کتیبه‌های فارسی باستان به چشم می‌خورد که درواقع علامت‌های اختصاری برای نگارش پنج مفهوم

بحث بعدی به پیدایش خط الفبایی می‌پردازد. نویسنده برای نمایاندن این معنی، نخست تاریخچه کوتاهی پیرامون کرانه‌های شرقی مدیترانه ارائه نموده و سپس مطالب کتاب با بررسی نظریه‌های گوناگون درباره چگونگی ظهور الفبا و نقشی که فنیقیان در این خصوص داشته‌اند، اصلاحات یونانیان بر خط فنیقی و نیز نوآوری‌های ایشان، دنبال شده است.

مبحث بعدی به نقش آرامی‌ها - و نیز هخامنشیان - در انتشار خط الفبایی در خاورمیانه می‌پردازد و با بحث افول تدریجی خط فارسی باستان و وضع نگارش در دوران سلوکی‌ها^۲ ادامه می‌یابد. سپس نویسنده به تلاش اشکانیان در نگارش زبان مادری خویش با استفاده از خط آرامی، چگونگی تحول آن و تنوع شیوه‌های نگارش خط پهلوی اشاره می‌کند. در مبحث بعد به تأثیر اسلام، کلیسای کاتولیک، یهود، کلیسای ارتدکس، کلیسای نسطوری، مانوی و بودایی بر رواج خط‌های عربی، لاتینی، عبری، سیریلیک، سریانی، مانوی و هندی اشاره گردیده است.

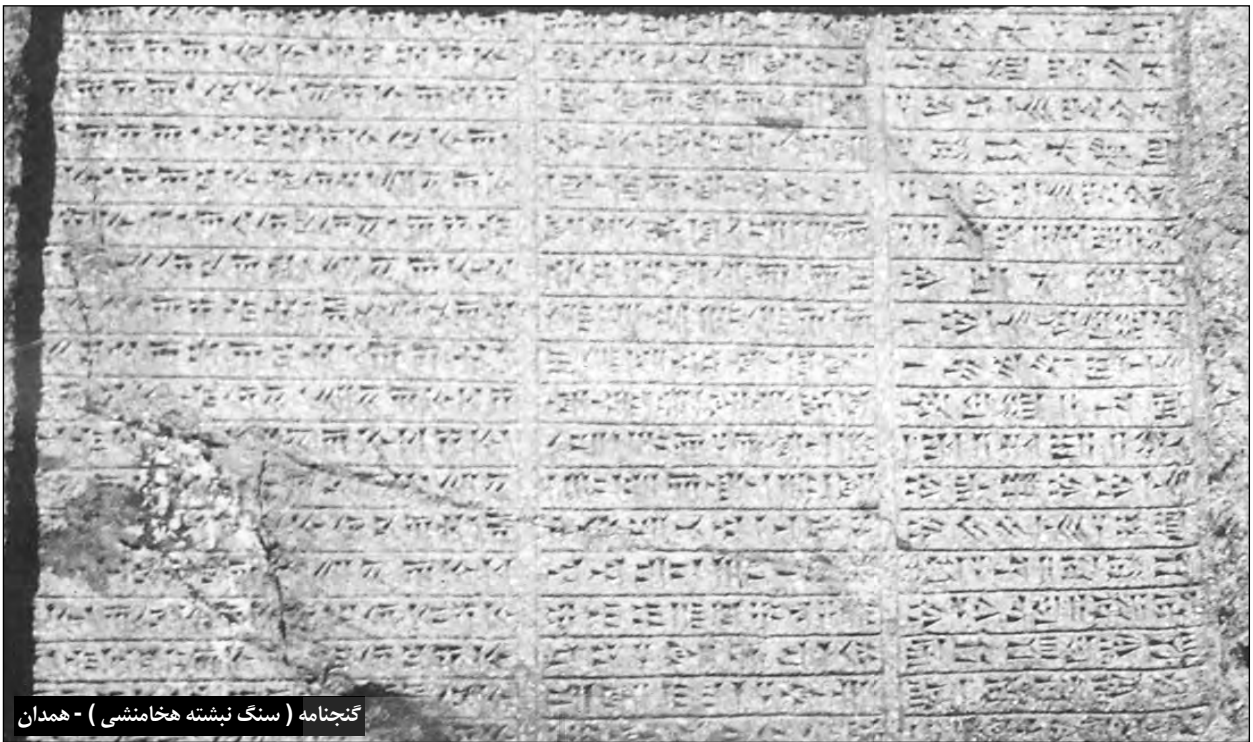
بخش نخست کتاب کتابت زبان‌های ایرانی را جدول سالشمار پیدایش و انتشار خط در خاورمیانه و ایران کامل نموده و در پایان این بخش فهرست مأخذ به زبان‌های فارسی (۲۲ عنوان کتاب و مقاله) و لاتین (۳۶ عنوان کتاب و مقاله) آورده شده است. با پایان یافتن این بخش به نظر می‌رسد نویسنده به قسمتی از هدف خویش دست یافته و توانسته است با بررسی چگونگی پیدایش و تحول خط در خاورمیانه، چگونگی پیدایش و تکوین خط‌های الفبایی جهان و همچنین خط‌های

زبان به عنوان یک پدیده ذهنی دارای دو نمود مادی گفتاری و نوشتاری و بنابراین شنیداری و دیداری است. از نظر نباید دور داشت که نمود نوشتاری - دیداری زبان (خط)، قرن‌ها پس از سخن گفتن انسان پدید آمد و در حالی که دانشمندان تاریخ پیدایش زبان را حدود یک میلیون سال پیش تخمین زده‌اند، پیدایش ابتدایی‌ترین خط‌ها به حدود ده هزار سال قبل بازمی‌گردد.^۱

کتاب کتابت زبان‌های ایرانی با هدف نمایاندن چگونگی و چرایی اقتباس یا وضع خط‌هایی که برای نگارش زبان‌های ایرانی به کار گرفته شده و نیز برای معرفی کلیه نظام‌های کتابت ایرانی نگاشته شده است^۲ نویسنده برای دستیابی به هدف‌های خویش کتاب را در دو بخش سامان داده است.

بخش اول به فرضیه‌های پیدایش و انتشار خط از سومر و فنیقیه تا ایران اختصاص دارد و درواقع چنین می‌نماید که نگارش قسمت اعظم این بخش به این دلیل بوده است که خواننده را با این مقدمات آشنا نماید.

فصل نخست بخش اول به موضوع نگارش در خاورمیانه باستان پرداخته است و خواننده کتاب، ضمن آشنایی با فرضیه‌های پیدایش خط، با نمونه‌های باستانی خط‌های تصویرنگار، واژه‌نگار، خط‌های مصری باستان (هیروگلیف هیراتیک و دموتی) و همچنین خط‌های میخی دوران باستان آشنا می‌گردد. در ادامه مراحل تحول خط سومری (از تصویرنگاری تا میخی)، خط میخی اکدی و خط فارسی باستان مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.



گنجنامه (سنگ نبشته هخامنشی) - همدان

است. پیش از این اشاره گردید که فهرست ماخذ هر بخش در پایان همان بخش قرار دارد که این امر دو مشکل را پدید آورده است. نخست آن که در پیوست‌ها به هفت کتاب و مقاله ارجاع داده شده که در فهرست ماخذ نیامده‌اند. ۸ دیگر آن که از بین ۹ جلد کتاب و مقاله به زبان فارسی و ۴۵ عنوان کتاب و مقاله به زبان‌های لاتینی که در فهرست ماخذ بخش دوم آمده‌اند، ۳۳ عنوان تکراری است و پیش از آن در فهرست ماخذ بخش اول آورده شده‌اند. بنابراین بهتر بود فهرست ماخذ هر دو بخش در پایان کتاب می‌آمد تا ضمن جلوگیری از این تکرار، منابع مورد استفاده و اشاره در پیوست‌ها نیز در کتابشناسی گنجنامه می‌گشت.

۴ - مسأله دیگر، تغییر روش ارجاع به منابع در پانوشته‌های بخش‌های مختلف کتاب می‌باشد. مشخص نیست که چرا نویسنده نوع ارجاع‌های خود را در بخش دوم تغییر داده است. ۹
۵ - موضوع دیگر - هرچند کم اهمیت می‌نماید - درخصوص اشتباهات نگارشی و تایپی است. مواردی چون Th به جای The و... ۱۰ ترتیب قرار گرفتن اطلاعات کتابشناسی Gnoli و Sims-Williams (در صفحه ۱۰۶ کتاب) نیز رعایت نشده و همچنین عنوان سه مقاله نوشته نشده است. ۱۱ متأسفانه در جدولی که به منظور نمایاندن چگونگی ابداع خط اوستایی، نویسه‌های پهلوی با برخی معادل‌های اوستایی‌شان در کنار هم قرار داده شده‌اند، حروف به روشنی تصویر نگردیده است (خصوصاً در صفحه‌های ۱۱۸ تا ۱۲۰) و از این رو بدون آگاهی

باید از آن (به استثنای فصل‌هایی از بخش اول) با عنوان کتاب‌دست خط‌های ایرانی یاد کرد. با این وجود مطالب کتاب را دو پیوست کامل‌تر نموده است. نخستین پیوست مبدأ نشانه‌های خطی دین دبیره (اوستایی) می‌باشد که در آن نظریه‌های متفاوت درخصوص زمان و چگونگی نگارش اوستا مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

پیوست دوم درآمده بر خوش‌نویسی در ایران باستان است که در آن به موضوع سبک‌های خط پهلوی، خوش‌نویسی خطوط اوستایی و مانوی، و دخالت شکل‌نویسه‌های خط میخی در انتخاب آن برای نگارش زبان فارسی باستان و مواردی دیگر اشاره گردیده است.

در یک جمع‌بندی کلی از کتاب باید به چند مورد اشاره نمود:

۱ - نخست آن که عنوان کتاب کوچکتر از محتوای آن است. همچنان که خواننده محترم از خواندن نوشته حاضر - و به خصوص کتاب موردنظر - درمی‌یابد، بخش اول کتاب درواقع تاریخ پیدایش خط الفبایی با تأکید بر تاریخ مختصر خط‌های بین‌النهرین و هلال خصیب می‌باشد.

۲ - همچنان که نویسنده در نظر داشته است کتاب با هدف «تأکید بر فرضیه‌ها، دانسته‌ها و نادانسته‌های تاریخ خط» نگاشته شده «نه ارائه فهرست‌وار و دایره‌المعارف‌گونه نظام‌های کتابت». از این رو در بیان خط‌ها، دشواری‌های نگارش و خواندن، محدودیت‌ها، تاریخچه و دلیل‌های اختراع و یا اقتباس آنها بیان شده و حتی کتابت لهجه‌ها نیز مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۳ - نکته دیگر مربوط به فهرست ماخذ کتاب

پرسامد خد، سرزمین و... می‌باشد.

۲ - خط‌های منشعب از آرامی: ویژگی‌های عمومی این خط‌ها در این است که از راست به چپ نوشته می‌شدند. این خط‌ها به نه گروه کلی تقسیم گشته‌اند: خط‌های پهلوی (شامل: خط پهلوی اشکانی، فارسی میانه کتیبه‌ای، زبور پهلوی یا پهلوی مسیحی و پهلوی کتابی) عم اوستایی (دین دبیره = خط دینی)، خوارزمی، سغدی (بودایی)، سغدی مسیحی (سریانی)، مانوی، برهمایی، عبری و عربی.

۳ - خط‌های منشعب از خط یونانی، لاتینی و سیریلیک: خط یونانی کلاسیک وسیله نگارش دو زبان ایرانی میانه شرقی، بلخی و الانی قرار گرفت. ۷ سپس از نیمه دوم دهه ۱۹۲۰ م. جمهوری‌های آسیایی شوروی یکی پس از دیگری الفبای لاتینی را پذیرفتند و از اواخر دهه ۱۹۳۰ م. الفبای روسی جایگزین الفبای لاتینی شد که این دو موج تغییر خط بر نگارش زبان‌های ایرانی فارسی تاجیکی، آسی (گویش‌های ایرونی و دیگوری)، تاتی، طالشی، کردی و زبان‌های پامیری تأثیرات خود را بر جای گذاشت که تفصیل آن در کتاب موردنظر آمده است.

بخش دوم کتاب با فهرست ماخذ بخش دوم و جدول تطبیق زبان‌های ایرانی و خط آنها پایان می‌پذیرد. در فهرست ماخذ بخش دوم مشخصات کتابشناسی ۹ جلد کتاب و مقاله به زبان فارسی و ۴۵ عنوان کتاب و مقاله به زبان‌های لاتینی آمده است. با پایان یافتن بخش دوم کتاب، خواننده درمی‌یابد که نویسنده توانسته است به دو هدف خویش دست یافته و کتابی تألیف نماید که درواقع



گنجنامه (سنگ نیشسته هخامنشی) - همدان

و آشنایی کامل با خط‌های اوستایی و پهلوی نمی‌توان از این قسمت، بهره‌ای را که نویسنده کتاب در نظر داشته است، گرفت.

پی‌نوشت‌ها:

برجیان، حبیب: کتابت زبانهای ایرانی، تهران: سروش، ۱۳۷۹، ۱۴۴ ص، ۵۰۰۰ ریال.

۱- باقری، مه‌ری: مقدمات زبانشناسی. تبریز: انتشارات دانشگاه تبریز، ۱۳۷۱، چاپ دوم، ص ۳۵.

۲- هرچند زبانهای باستانی و میانه ایرانی و نیز خط‌های آنها پیش از این به صورت تخصصی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است (برای نمونه بنگرید به: آموزگار، ژاله؛ تفضلی، احمد: زبان پهلوی ادبیات و دستور آن. تهران: نشر معین، ۱۳۷۳، صادقی، علی‌اشرف: «درباره خطوط ایران باستان». سخن، س ۱۹، ش ۱۰ (۱۳۴۸)، صص ۱۰۴۷-۱۰۳۷ و س ۲۰، ش ۱۰ (۱۳۴۸)، صص ۱۴۲-۱۴۰) اما تا پیش از انتشار کتاب مورد بررسی، تمامی نظام‌های نگارشی زبانهای ایرانی، از دوران باستان تا نو، در یک اثر مستقل بررسی نشده بود.

۳- پس از برافتادن هخامنشیان به دست اسکندر و روی کار آمدن سلوکی‌ها در ایران، به دلیل یونانی بودن فرمانروایان سلوکی خط و زبان ایرانی کمتر مورد توجه بود و آثار مکتوب از خط و زبان ایرانی از این دوران موجود نیست. اولین اثری که پس از سقوط هخامنشیان به دست آمده است مربوط به دوران اشکانیان می‌باشد. بدین ترتیب در این دوران - به جز دوره کوتاهی که از خط یونانی استفاده می‌شد - زبان فارسی فاقد سیستم نگارشی

بود.

۴- خط‌های پهلوی که میراث دبیران آرامی شاغل در دستگاه دولتی اشکانی و ساسانی بود و یونانی که میراث فرمانروایان یونانی بلخ بود در جریان استعمال اداری بر زبانهای ایرانی منطبق شدند. انگیزه‌های سیاسی و اجتماعی سبب نگارش گروهی از زبان‌های ایرانی به خط‌های لاتینی و سیریلیک گردید که این انگیزه‌ها مربوط به دوران متأخر می‌باشد.

۵- نویسنده در بخش نخست، ضمن اشاره به نظریه‌های متفاوتی که درخصوص اختراع این خط وجود دارد ویژگی‌های نوشتاری و دشواری‌های آن را بررسی نموده است.

۶- گذشته از گونه‌های خط پهلوی یاد شده، برخی از مورخان اسلامی از جمله حمزه اصفهانی و ابن ندیم انواع دیگری از خط‌های رایج در زمان ساسانیان را نام برده‌اند که در بخش پیوست‌های کتاب مورد بحث به آنها اشاره گردیده است.

۷- همچنین کردهای ساکن ارمنستان از خط ارمنی و آس‌هایی که در جنوب رشته جبال قفقاز ساکن هستند از خط گرجی استفاده می‌کردند که این خط‌ها دارای منشأ یونانی بودند.

۸- ر. ک: ص ۱۱۳، یادداشتهای ۶ و ۷ و ۸؛ ص ۱۱۳، یادداشت ۹؛ ص ۱۱۴، یادداشت ۱۱؛ ص ۱۲۳، یادداشت ۱۷ و ص ۱۲۶، یادداشت ۲۲. از این گذشته به ۵ عنوان کتاب و مقاله در پانوشته‌های بخش‌های اول و دوم ارجاع شده است اما در فهرست ماخذ این بخش نیامده‌اند. ر. ک: ص ۳۲ یادداشت ۲۳ مقاله Arsama؛ ص ۵۱ یادداشت ۸؛ ص ۵۸ یادداشت ۹۶ کتاب ذبیح‌الله صفا؛ ص

۹۷ یادداشت ۵۴ و ص ۹۹ یادداشت ۵۷.

۹- برای نمونه یادداشت ۷۵ (ص ۴۹) را با یادداشت ۲۱ (ص ۸۳) مقایسه نمایید.

۱۰- ص ۲۲ یادداشت ۲۶ موارد دیگر از این قرار است:

ص ۵۱ یادداشت ۸۳، صورت اشتباه: OBYDYNt صورت صحیح: OBYDWnt

ص ۵۱ یادداشت ۸۶، صورت اشتباه: cambridge صورت صحیح: Cambridge

ص ۵۲ یادداشت ۸۷ و ص ۶۸، صورت اشتباه: A Manual صورت صحیح: of

ص ۶۵ و ص ۱۰۳، صورت اشتباه: خانلری، دکتر پرویز نائل صورت صحیح: نائل خانلری، (دکتر) پرویز

ص ۱۰۰ یادداشت ۵۹، صورت اشتباه: ۱۹۷۱ صورت صحیح: ۱۹۷۱

ص ۱۰۴، صورت اشتباه: Baily صورت صحیح: Bailey

ص ۱۲۳ یادداشت ۱۸، صورت اشتباه: Dabir صورت صحیح: Dabire

۱۱- ر. ک. ص ۱۱۲ یادداشتهای ۶ و ۷ و ۸. عناوین این مقاله‌ها به شرح زیر است:

- G. Morganstierne: "Orthography and Sound-system of the Avesta".

- W. B. Henning: "The disintegration of the Avestic Studies".

- K. Hoffmann: "Altiranisch".